

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش امیر مومنان در احیای دین

نویسنده: امیرحسین پیامی    استاد راهنما: حجت الاسلام خطیبی

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

## چکیده

ائمه اطهار علیه السلام بر اساس وظیفه خود که همان حفظ دین و سنت پیامبر می باشد چه در زمان حیات رسول خدا و چه بعد از رسول خدا و چه در زمان خلافت خود و چه در زمان خلافت خلفا زحمات زیادی کشیدند و با اقدامات موثر و فراوانی که انجام دادند جلوی اشتباهات سهوی و عمدی آن ها را گرفتند و اجازه ندادند دین اسلام به گمراهی برده شود.

وقتی امیر مومنان به خلافت رسید و سعی داشت سنت واقعی رسول خدا را در زمینه های مختلف اجرا کند عده ای از صحابه که فقط ظواهر اسلام را رعایت می کردند و بیشتر به فکر منافع خودشان بودند به مخالفت با حضرت علی برخاستند و با آن حضرت جنگیدند که جنگیدن حضرت با آن ها نتایجی از قبیل رفع فتنه قریش، بطلان خوارج و... برای اسلام به همراه داشت.

## کلمات کلیدی

خلافت ، اقدامات موثر حضرت علی ، عدالت ، حکومت حضرت علی ، احیاء دین، وظیفه امام، زدودن بیعت

## مقدمه

ائمه اطهار کسانی بودند که از جانب خدا برای رهبری مردم و یاری دین خدا انتخاب شده بودند و در راس آنها امیرالمومنان توسط پیامبر به عنوان جانشین خود انتخاب شد و حتی غصب خلافت آن حضرت باعث نشد که آن حضرت از یاری دین خدا دست بردارد .

با اینکه خلافت و امامت امیرالمومنان از جانب خداوند معین شده بود اما آن حضرت برای اجرای سنت واقعی رسول خدا و جلوگیری از نابودی دین خدا باید به حکومت میرسید .

چون امیر مومنان از صحابه بزرگ رسول خدا به شمار می رفت و مکتب خلفا ارزش و مقام ویژه ای برای صحابی پیامبر قائل بودند و همین امر به امیر مومنان کمک می کرد که در زمان حکومت خود بتواند سنت واقعی رسول خدا را در بین مردم اجرا نماید و دین خدا را به سمت واقعی خود هدایت کند .

## بیعت مسلمانان با رضایت خودشان و اهمیت حکومت ایشان

بعد از اینکه مردم از حکومت عثمان به ستوه آمده بودند و ظلم و فساد او و کارگزارانش باعث شورش مردم و منجر به قتل او شد مردم فهمیده بودند کسی که به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل می کند و طرفدار عدالت و به فکر مردم است تنها علی بن ابی طالب می باشد لذا پس از قتل عثمان همه با طیب خاطر به خانه حضرت علی هجوم آوردند و با آن حضرت بیعت کردند نقشه های طلحه و زبیر و عایشه را به هم ریختند.

در طول خلافت اسلامی پس از پیامبر این تنها موردی بود که مسلمانان با رضایت خودشان بیعت می‌کردند چون در خلافت ابوبکر فقط چند نفر پیش قدم شدند و از بقیه با وعده و وعید بیعت گرفتند عمر هم با وصیت ابوبکر به خلافت رسید عثمان نیز با شورایی که عمر تعیین کرده بود خلیفه شد و پس از به حکومت رسیدن بنی امیه و بنی عباس خلافت به صورت موروثی درآمد نکته بسیار مهمی که در اینجا باید بیان کرد این است که به حکومت رسیدن حضرت امیر نقش اساسی برای حفظ اسلام داشته است هرچند که در نظر پیروان مکتب اهل بیت ائمه اگر به حکومت هم نرسند امام خلیفه الله وصی پیامبر مبین احکام و مبلغ شریعت الهی و واجب اطاعه می‌باشند. اما در مکتب خلفا تنها کسانی اطاعت از آنها لازم است که به خلافت و حکومت برسند اگر حضرت امیر به حکومت نرسیده بود به عقیده آنها هیچ فرقی با دیگر صحابه نداشت و کارهایش دارای ارزش و اعتبار نبود و گفتارش موثر واقع نمی‌شد به همین خاطر حضرت امیر بعد از قبول خلافت ظاهری در نزد تمام مسلمان های آن روز ولی امر آنها قرار گرفت از سوی دیگر به دلیل اینکه مکتب خلفا برای صحابه پیامبر ارزش خاصی قائلند و چون حضرت امیر صحابه خاص پیامبر بود حجیت کارهای ایشان از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار شد و به این طریق توانست خدمات بزرگی به اسلام انجام دهد.

از اینجا معلوم می‌شود حضرت امیر با آنکه می‌دانست پس از عمر به خلافت نمی‌رسد در شورای انتصابی خلافت شرکت نمود چون همانطور که گذشت مصدحت اسلام و بقای آن منوط به حکومت رسیدن آن حضرت بود اگر ایشان در شورای خلافت شرکت نمی‌کرد نزد مردم طلب مقام خلافت محسوب نمی‌شد به خصوص با مخالفت‌هایی که دستگاه حکومت برای حذف آن حضرت از مرکز حکومت داشت مردم توجه و آمادگی برای پذیرش خلافت ایشان پیدا نمی‌کردند بنابراین حضرت امیر با اینکه می‌دانست پس از عمر خلیفه نمی‌شود در شورای ۶ نفره وارد شد تا بین مسلمانان داوطلب خلافت شود اگرچه عثمان به خلافت رسید اگر حضرت علی در شورا وارد نمی‌شد بعد از عثمان مردم با او بیعت نمی‌کردند، همچنین حضرت امیر در زمان قتل عثمان از مدینه بیرون نرفت تا معاویه نتواند به نام خونخواهی عثمان لشکرکشی کند و جنگ را بر حضرت تحمیل نماید بنابراین اگر حضرت امیر در زمان قتل عثمان در مدینه نبود به حکومت نمی‌رسید و در نتیجه اسلام واقعی در جامعه باقی نمی‌ماند.

## مخالفان حضرت امیر

امیر مومنان بعد از ۲۵ سال خلافت ظاهری را قبول کرد و چون مردم با او بیعت کرده بودند حضرت در ضمن خطبه‌ای سیره و روش حکومتی خود را که منطبق با قرآن و سنت پیامبر بود بیان نمود و عملاً از همان آغاز مطابق آنچه گفته بود عمل کرد صراحت و عدالت حضرت امیر هرچند توده مردم مسلمان را از ظلم‌ها و ستم‌های حکام قبل و بی‌عدالتی‌های گذشته رهانید اما در مقابل موجب جبهه‌گیری از سمت ثروتمندان و قدرت طلبان شد آنان که در زمان گذشته به خاطر نزدیک بودن به دستگاه خلافت از قدرت و مقام بالایی برخوردار بودند حالا جایگاه خود را در خطر می‌دیدند به همین خاطر به مخالفت با حضرت امیر پرداختند و به این ترتیب در زمانی کمتر از ۵ سال با سه گروه ناکسین قاسطین و مارقین جنگیدند در اینجا توضیح مختصری نسبت به این سه گروه ذکر کرده و ریشه مخالفت‌ها و برخوردهای حضرت با آنها را بیان می‌کنیم.

## جنگ جمل به رهبری عایشه طلحه و زبیر

جنگ جمل جنگ طبقاتی قریش در مقابل حضرت امیر بود برای ریشه یابی این جنگ لازم است خصوصیات قریش را بررسی کنیم قریش خود را اولاد حضرت ابراهیم می دانستند همچنین خودشان را کلیددار خانه خدا به حساب می آوردند . قریش همان هایی بودند که از آغاز بعثت مقابل پیامبر جبهه گرفتند و آن همه آزار و شکنجه و توهین به پیامبر اکرم و مسلمانان صدر اسلام در مکه وارد ساختند آنان خلافت در سقیفه را به دست گرفتند و حکومت قریشی را برپا کردند به ویژه در زمان حکومت عمر قبایل عرب در شهرهای نوبنیاد بصره و کوفه اسکان داده شدند و قریش در مدینه نگاه داشته شد عمر زمین های مدینه را بین قریشیان تقسیم کرد ، با ایجاد نظام طبقاتی دوباره تها در دست قریش انباشته شد و آنان صاحب باغ زراعت خانه و برده شدند قریش با تصاحب قدرت و ثروت دیگر مسلمان ها را کنار زد در نتیجه انصار به فقر و تنگدستی مبتلا گشتند پیامبر این واقعه را از قبل پیشگویی کرده بودند مبر فرمودند به زودی بعد از من کنار زده می شوید و دیگران خود را بر شما مقدم داشته از غنایم جنگی و ریاست و حکومت محروممان می کنند صبر کنید تا روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوید (۱)

خودخواهی و ظلم قریش به اینجا ختم نشد و آنها برای سیادت خود دست به جعل احادیثی زدند و آنها را به پیامبر نسبت دادند به چند مورد از این احادیث اشاره می کنیم: بعد از فتح مکه تا روز قیامت فردی از قریش را نمی توان کشت (۲)

هر که به قریش توهین کند خدا او را پست کند (۳)

حکومت از آن قریش است حتی اگر دو نفر روی زمین باشند و قریش باید بر آنها حکومت کند (۴)

امر قریش را فرمان ببرید و کاری به کارهایشان نداشته باشید (۵).

آنان با نقل این گونه روایات خون قریشیان را تا قیامت حفظ کردند و حکومتداری را ویژه قریش معرفی کردند حکومت آفریقا به دست عمروعاص حکومت ایران به دست سعد وقاص و حکومت شام به دست معاویه افتاد.

وقتی حضرت امیر به حکومت رسید این هرم طبقاتی را در هم شکست و بیت المال را به طور مساوی بین مردم تقسیم کرد و همچون پیامبر اکرم فرقی بین قریشی و غیر قریشی نگذاشت در انتصابات هم از افراد غیر قریش استفاده می کرد و انصار را به عمارت ولایات منصوب نمود. از طرفی معاویه را از حکومت شام عزل نمود و درخواست طلحه و زبیر را برای احراز مقام رد کرد اینجا بود که قریش مقابل آن حضرت جبهه گیری کردند طلحه و زبیر و دیگران که با حضرت امیر بیعت کرده بودند به مخالفان آن حضرت پیوستند و خون عثمان را بهانه کرده و با ملحق شدن به عایشه وجهه ای برای خود کسب کردند چرا که دستگاه خلافت ابوبکر و عمر عایشه را بسیار بزرگ جلوه داده بودند آنها تصمیم گرفتند در مقابل حضرت علی قرار بگیرند و با آن حضرت بجنگند حضرت امیر با اصحاب خود به بصره رسیدند و در مقابل عایشه طلحه و زبیر و مروان قرار گرفتند ابتدا حضرت علی از راه نصیحت و خیرخواهی خواستند آنها را آرام کنند لذا زبیر را پیش خود خواندند و با او سخن گفتند و از او پرسیدند آیا به یاد داری که رسول خدا به تو فرمودند زبیر تو روزی به ناحق با علی خواهی جنگیدی؟ زبیر گفت این مطلب را فراموش کرده بودم و اگر به یاد داشتم هرگز به جنگ تو نمی آمدم

در اینجا زبیر از ادامه جنگ منصرف شد و برگشت اما به تحریک فرزندش عبدالله عهد خود را شکست و حمله‌ای به لشکر حضرت علی نمود. سرانجام جنگ صورت گرفت و امیر مومنان موفق به پیروزی در جنگ شد.

## اقدامات امیر مومنان بعد از جنگ جمل

حضرت امیر پس از پیروزی بیانیه‌ای به این مضمون صادر نمودند تا در میان لشکر خوانده شود: کسانی را که مجروح شده‌اند نکشید کسانی را که فرار کرده‌اند دنبال نکنید آن‌هایی که تسلیم شوند و سلاحشان را کنار بگذارند یا در خانه‌شان بمانند در امان هستند نه اموالشان برای شما حلال است و نه زنان و فرزندانشان اسیر می‌شوند، فقط مرکب و وسایل جنگی که در میدان جنگ آورده‌اند غنیمت شماست و دیگر اموالشان متعلق به ورثه آنهاست بندگان که بیرون از لشکر دارند را نمی‌توان به بندگی گرفت، اگر در لشکری کنیزی آورده‌اند که از آفایش بچه‌دار شده او را نمی‌توانید به کنیزی بگیرید زنی که شوهرش کشته شده ۴ ماه و ۱۰ روز باید عده بگیرد بعد می‌تواند شوهر بگیرد چون آنها مسلمان هستند این دستورات برای بسیاری از لشکریان حضرت امیر قابل پذیرش نبود و موجب اعتراض و شورش گردید این اعتراض‌ها توسط عمار یاسر به گوش امیر مومنان رسید و به حضرت فرمودند مردم فکر می‌کنند کسانی که در مقابل ما جنگیده‌اند خودشان به همراه زن و فرزندان‌شان بنده آنها هستند امام برای سپاهیان خطابه‌ای فرمود برخی به اعتراض برخاستند و گفتند یا امیرالمومنین چگونه خون آنها بر ما حلال است ولی زنان آنها اسیر نمی‌شوند حضرت فرمود سیره پیامبر و حکم اسلامی در اهل قبله و مسلمین چنین است لشکریان این حکم را قبول نکردند و شروع به سر و صدا کردند. در اینجا تذکر این نکته لازم است که این اعتراض‌ها به جهت سنت خلیفه اول بود در زمان ابوبکر دستگاه خلافت با مخالفان به منزله کفار برخورد می‌کردند آنها را می‌کشتند اموالشان را به غارت می‌بردند و زنان و فرزندان‌شان را اسیر و برده گرفته، آنها را بین خود خرید و فروش می‌نمودند مانند زمان جاهلیت یا همچون رفتار رسول خدا با کفار حربی و چون این کار به دستور و تایید خلیفه صادر شده بود آن را مشروع می‌دانستند حال که اولین جنگ علیه حضرت امیر برپا شده بود و حضرت در برخورد با اهل بصره که مسلمان بودند بر خلاف روش و سیره شیخین عمل می‌کرد برای بسیاری از صحابه و سپاهیان او قابل پذیرش نبود لذا حضرت امیر هرچه گفت نپذیرفتند در اینجا حضرت از اهرمی استفاده کرد که همگی قانع و مجاب شدند و آن عایشه بود حضرت فرمود اگر حرف مرا قبول نمی‌کنید تبرهائتان را بیاورید و بر عایشه بزنید تا ببینید کدام یک از شما مادرش عایشه را در سهمش برمی‌دارد و بر کنیزی می‌گیرد. اینجا همگی مسلمانان متوجه شدند و گفتند هیچ یک از ما همچنین کاری نمی‌کنیم شما درست گفتی و ما خطا کردیم شما می‌دانستی و ما جاهل بودیم از خدا طلب آموزش می‌کنیم تا خدا به واسطه تو ما را به راه راست برساند (۶). آری حضرت امیر به اسلام عمل نمود و حکم اسلام را زنده کرد اگر حضرت امیر به حکومت نمی‌رسید این اقدام او اثر نداشت حکم اسلام واقعی به ما نمی‌رسید حضرت امیر با تثبیت این سنت از کشته شدن بسیاری از مسلمانان و اسارت زنان و فرزندان‌شان جلوگیری کرده و جامعه مسلمانان را از آلوده شدن به فساد نگه داشته است.

## جنگ صفین به رهبری معاویه

حضرت امیر در آغاز حکومتش معاویه را عزل کرد این کار باعث شد معاویه مقابل ایشان جبهه‌گیری کند و جنگ صفین را علیه آن حضرت برپا نماید. به نظر بعضی چون عبدالله بن عباس و مغیره بن شعبه عزل معاویه در آن وقت صلاح نبود و از روی مصلحت جویی گفتند بگذارید حکومت شما ریشه بگیرد و محکم شود بعد معاویه را عزل کنید. برای روشن شدن حکمت کار حضرت امیر ابتدا گوشه‌هایی از زندگی معاویه را بررسی می‌نماییم تا بفهمیم برخورد حضرت امیر درست بوده است یا نه.

پس از فتح مکه توسط پیامبر همه قریش حتی ابوسفیان پدر معاویه اسلام آوردند تنها معاویه و یک نفر دیگر از مکه فرار کردند و مدتی در اطراف بودند معاویه از آنجا چند بیت شعر برای پدرش فرستاد: تو چطور اسلام آوردی در حالی که جد و دایی و برادر من در جنگ بدر توسط مسلمانان کشته شدند (۷) بعد که فهمید دیگر جایی در جزیره العرب نمانده که مردمش اسلام نیاورده باشند نزد پیامبر آمد و اظهار اسلام کرد. حال می‌پردازیم که حقیقت اسلام و معاویه چه بوده است. طبری می‌نویسد که معاویه مغیره بن شعبه را به حکومت کوفه منصوب داشت و به او سفارشات کرد: هرگز نکوهش و بدگویی علی را فراموش نکن همیشه برای عثمان از خداوند طلب رحمت و مغفرت کن از عیب جویی اصحاب و یاران حضرت علی و سخت‌گیری درباره ایشان به هیچ وجه رویگردان مباش ، و در مقابل دوستداران عثمان را به خود نزدیک نما و بدیشان مهربانی کن. مدائنی در کتاب احداث می‌نویسد معاوی پس از به دست آوردن خلافت فرمانی به همه عمال و کارگزاران خویش نگاشت هر کس چیزی در فضل ابوتراب و خاندانش باز گوید حرمتی برای خون و مالش نیست. معاویه دستور داد شهادت هیچ یک از شیعیان علی و خاندانش را نپذیرند او دستور داد همه باید روایات فضائل عثمان را نقل کنند و در همه شهرها آن را رواج دهند. فرمان معاویه بر مردم خوانده شد و به دنبال آن روایات دروغین فراوانی در فضائل صحابه ساخته شد که به هیچ وجه بویی از حقیقت نداشت. معاویه سب و لعن حضرت علی را در شام رواج داد و خطبای جمعه را در تمام بلاد اسلامی وادار کرده بود تا حضرت علی را در خطبه‌های نماز جمعه لعن کنند. مردم نیز این چنین تربیت شدند و بغض حضرت علی را در دل گرفتند.

## ریاست طلبی معاویه

خلیفه دوم برنامه‌ریزی کرده بود تا معاویه بعد از عثمان و عبدالرحمن بن عوف خلیفه شود به همین جهت به معاویه میدان می‌داد او را کسرای عرب می‌نامید عثمان در زمانی که محاصره شده بود به معاویه که یکی از والیان او بود نامه نوشت و از او درخواست کمک کرد معاویه لشکری فرستاد و دستور داد در داخل مدینه منتظر بمانید تا فرمان من به شما برسد آن لشکر هم در آنجا ماند تا عثمان کشته شود و بعد به شام بازگشت معاویه این چنین عمل کرد چون می‌خواست عثمان کشته شود تا بتواند به بهانه خونخواهی عثمان به خلافت برسد. با توجه به خصوصیات معاویه که ذکر کردیم نه تنها ابقای معاویه در حکومت شام از جهت شرعی صحیح نبود و اگر این کار را حضرت علی انجام می‌داد برای همیشه نصب والیان جور و حکام ظالم شریعت پیدا می‌کرد و حضرت امیر نیز چون محور حق بود حاضر نبود باطلی را تصویب کند.

بلکه از لحاظ سیاسی هم مصلحت نبود حضرت امیر معاویه را در عمارت شام ابقا کند در هر صورت معاویه حاضر به بیعت نشد و حضرت امیر او را عزل کرد چند نامه شدیدالحن بین آن حضرت و معاویه رد و بدل شد و در پایان قدرت طلبی معاویه او را بر آن داشت که جنگ صفین را علیه آن حضرت به راه اندازد.

## خلاصه‌ای از جنگ صفین

معاویه در اول صفر سال ۳۷ هجری لشکری مرکب از ۳۰۰ هزار نفر برای جنگ با حضرت علی به راه انداخت و امیرالمومنین با لشکری قریب به ۱۲۰ هزار نفر از کوفه حرکت کردند در منطقه‌ای به نام صفین با هم برخورد کردند اواخر جنگ که سپاه حضرت علی پیش می‌رفت مالک اشتر نزدیک خیمه معاویه شد و می‌خواست او را به قتل برساند، عمر و عاص وزیر معاویه حيله‌ای اندیشید و قرآن بر سر نیزه کرد عده‌ای از سپاهیان حضرت علی گفتند یا علی مادر مقابل قرآن داریم می‌جنگیم جنگ را متوقف کن، هرچه حضرت امیر آنها را نصیحت نمود و حيله عمروعاص و معاویه را به آنها خاطر نشان کرد فایده‌ای نداشت تا بالاخره توسط دوستان نادان تهدید به قتل شد، امیر مومنان به ناچار به حکمیت تن داد از سپاه معاویه عمروعاص و از سپاه حضرت علی ابوموسی اشعری انتخاب شدند که مورد قبول حضرت نبود، عمر و عاص با حيله معاویه را به عنوان خلیفه معرفی کرد و حضرت را کنار زدند در اینجا از سپاه حضرت علی وقتی فهمیدند که فریب خوردند فریاد بلند شد و به حضرت گفتند یا علی تو و ما به خاطر قبول حکمیت گناه کرده‌ایم و کافر شده‌ایم ما از معصیت خود توبه می‌کنیم تو نیز باید توبه کنی، حضرت علی به بیان‌های مختلف با آنان سخن گفت عده‌ای متقاعد شدند ولی جمعی بر عقیده باطل خود ایستادگی کردند و مقابل حضرت امیر جبهه‌گیری نمودند و جنگ نهروان را برپا کردند این گروه خوارج نامیده شدند.

## جنگ نهروان با خوارج

برای شناخت بهتر خوارج لازم است خصوصیات و سابقه آنها را مطالعه کنیم در برخورد با اسلام نیز عده‌ای از آغاز تا امروز دچار افراط و تفریط شده‌اند که خوارج از آنها می‌باشند. بسیاری از آنها قاری و حافظ قرآن بودند ها تنها ظواهر قرآن را می‌فهمیدند و از معانی آن بی‌اطلاع بودند و به جای رجوع به مفسر واقعی قرآن یعنی حضرت امیر با اعتماد نابجا بر فهم خود تفسیر به رای می‌کردند. از خصوصیات دیگر خوارج این بود که بیش از اندازه به ظواهر دین و انجام عبادات پرداخته و از اصل و هدف دین دور بودند و روح آن را نادیده می‌گرفتند بعضی از آنها به قدری نماز خوانده و سجده می‌کردند که پیشانی و سر زانوهایشان بر اثر سجده پینه بسته بود آنان معاویه را رها کرده و با حضرت علی جنگیدند.

## پیشگویی پیامبر نسبت به خوارج

پیامبر اکرم فرمودند همانا گروهی هستند که قرآن می‌خوانند ولی قرآن از گلوهایشان نمی‌گذرد و به دلشان نمی‌رسد از اسلام بیرون می‌روند همچنان که تیر از نشانه می‌گذرد با مسلمان‌ها می‌جنگند و آنها را می‌کشند ولی متعرض کفار

نمی‌شوند، آنان را یارانیست که شما نماز و روزه و اعمال خود را در مقابل آنها کوچک می‌شمارید در زمانی که مسلمان‌ها دو دسته شوند (اشاره به جنگ صفین) این‌ها خروج می‌کنند وسط سرشان را می‌تراشند اینان بدترین مردم هستند گروهی که از آن دو دسته بر حق هستند اینان را می‌کشند .

تعمق (زیاده روی و وسواس) در دین دارند (۸). عده‌ای ظاهربین که بعدها از خوارج شدند فریب خورده و حضرت را به قبول حکمیت وادار ساختند پس از شکست حکمیت به خاطر اعتماد خود از فهم آیه ان الحکم الا لله چنین برداشت کردند که تنها خدا حاکم است و هیچکس حق حکم کردن بین مردم را ندارد لذا تعیین حکم را گناه موجب کفر می‌پنداشتند و حضرت امیر را کافر دانسته و با او جنگیدند. خوارج شروع به جمع آوری سلاح کردند زمانی که این گزارش را به حضرت علی دادند حضرت فرمودند تا فتنه‌ای نکرده و خونی نریخته‌اند به آنها کاری نداریم و مستمری آنها را از بیت المال قطع نمی‌کنیم. خوارج به فرماندهی عبدالله بن وهب راسبی بر فعالیت‌های خود افزودند در منطقه‌ای به نام جوخا نزدیک نهروان جمع شدند در آنجا چند مسلمان بی‌گناه را کشتند یکی از آنها عبدالله بن خباب ارت بود ، حضرت علی او را والی جایی قرار داده بود خوارج او و زن باردارش را اسیر کردند خوارج از او پرسیدند نظرت درباره ابوبکر و عمر چیست چون خوارج از پیروان آن دو بودند عبدالله از روی تقيه آن دو را تمجید کرد سپس از او خواستند که حضرت امیر را که به گمان آنها کافر شده است تکفیر کند عبدالله امتناع ورزید خوارج او را کنار نهر آورده و مثل گوسفند سر بریدند سپس شکم زن حامله‌اش را دریدند و بچه‌اش را درآورده و سر بریدند. حضرت امیر پس از جدا شدن خوارج لشکر خود را برای نبرد با معاویه آماده می‌کرد با ۶۰ هزار نفر به طرف صفین حرکت نمود اهل کوفه و لشکریان گفتند خوارج پشت سر ما هستند دارند کشتار می‌کنند خوب است اول به جنگ آنها برویم بعداً با معاویه خواهیم جنگید. با اصرار این‌ها حضرت امیر به طرف خوارج حرکت کرد وقتی حضرت در مقابل لشکر خوارج ایستاد شروع به صحبت کردن کرد عده‌ای از آنها قانع شدند و برگشتند پس از آن حضرت به بقیه فرمودند ما با شما کاری نداریم تنها کسانی را که عبدالله بن خباب را سر بریدند زن حامله‌اش را شکم دریدند و نیز چند نفر از برادران ما را کشتند تحویل ما دهید تا در مقابل جنایتشان قصاص کنیم. گفتند ما همگی قاتلین برادران شما ایم خون آنها و شما را حلال می‌دانیم حضرت از راه موعظه وارد شدند و آنها را از عذاب خدا وند ترسانند اما فایده‌ای نداشت و آنها بین خودشان گفتند جوابشان را ندهید برای ملاقات پروردگار آماده گردید و به سوی بهشت بشتابید برای جهاد صفبندی کنید و آماده نبرد شوید. در آخر حضرت امیر در مقابل آنها لشکر آرایی نمود و میمنه و میسر قرارداد سپس جایی را مشخص کرد و پرچمی به ابویوب انصاری داد و دستور داد تا فریاد برآورند هر کس از خوارج زیر این پرچم گرد آید در امان است در این موقع جمعی از لشکر خوارج جدا شده و زیر آن پرچم رفتند تنها ۴ هزار نفر یا کمتر به رهبری عبدالله بن وهب راسبی ماندند جنگ شروع شد و همه آنها به جز کمتر از ۱۰ نفر که فرار کردند کشته شدند.

## نتایج جنگ‌های حضرت علی

۱- رفع فتنه قریش: همچنان که گفتیم قریش با خودخواهی خود قدرت را در دست گرفت و حکومت قریشی برپا کردند و مال و ثروت را در خاندان خود متمرکز ساختند و ریاست و عمارت شهرها و لشکرها را به خود اختصاص داده بودند ، علاوه بر آن احادیثی بر سیادت و برتری خود جعل نمودند و بدین ترتیب مسیر اسلام را به کلی منحرف کردند به



گونه‌ای که کسی نمی‌توانست به راحتی حق و باطل را بشناسد. تقدیر و حکمت الهی در این بود که با به حکومت رسیدن حضرت امیر و جنگ او با قریش این فتنه از میان برود و اسلام دوباره زنده گردد و تنها امام علی می‌توانست این فتنه‌ای را برطرف کند این توانایی به خاطر وجود سه عامل در آن حضرت بود: ۱ فضایل و کمالات نفسانی آن حضرت ۲ سوابق طولانی در خدمت به اسلام ۳ بودن صحابه‌ای مشهور در رکاب آن حضرت.

حضرت امیر خود از قریش و فرزند ابوطالب و نوه عبدالمطلب و هاشم بود و بالاترین شخصیت قریشی را دارا بود و خلفا در شرافت نسب به آن درجه نمی‌رسیدند. دستگاه خلافت برای صحابه پیامبر ارزش خاصی قائل بودند حضرت امیر نیز از صحابه بود بلکه کسی بیشتر از آن حضرت با پیامبر مصاحبت نداشت، پیامبر اکرم در مناسبت‌های زیادی فضایل آن حضرت را بیان کرده بودند هرچند دستگاه خلافت سعی بر کتمان آنها داشتند.

سوابق و کارنامه درخشان حضرت علی در خدمت به اسلام نیز از عواملی بود که در رفع فتنه قریش موثر واقع شد آن حضرت در جنگ‌ها با رشادت و شجاعت خود کفار و مخالفان اسلام را از پا درآورده بود سران و پرچمداران قریش را در بدر و احد کشته بود همچنین شجاع‌ترین مرد عرب یعنی عمر بن عبدود را در خندق شجاع‌ترین مرد یهود را یعنی مرحب در خیبر کشته بود و در حنین که دیگران فرار کرده بودند آن حضرت تا آخرین لحظه از پیامبر دفاع نمود.

سومین عامل توانایی آن حضرت در رفع فتنه‌ها همراهی صحابه‌ای مشهور در رکاب آن حضرت بود که در راس همه آنها دو تن از نسل پیامبر یعنی امام حسن و امام حسین قرار داشتند. یکی از همراهان حضرت علی عمار یاسر بود که پیامبر اکرم او را معیار حق معرفی کرده و به او فرموده بودند گروه ستمکار تو را می‌کشد و تو در آن زمان با حقی و حق با توست ای عمار اگر دیدی علی در راهی می‌رود و مردم در راه دیگر پس با علی همگام شو. (۹)

بدین خاطر این ویژگی و امتیاز عمار در یاد صحابه همچنان ماندگار بود تا اینکه همراهی عمار با حضرت امیر در جنگ جمل و صفین در روشنگری مردم و توجه دادن آنها به حقانیت حضرت امیر موثر واقع شد.

### روشنگری عمار یاسر در جنگ صفین

در جنگ صفین نیز مردی از لشکر حضرت امیر به خدمت ایشان رسید و عرض کرد من از کوفه با بصیرت و اعتقاد در رکاب شما حرکت کردم امروز می‌بینم که ما اذان گفتیم و آنها هم اذان گفتند ما نماز خواندیم آنها هم نماز خواندند اکنون در شک افتادم حضرت فرمودند برو عمار را ملاقات کن و هرچه گوید عمل نما. وی نزد عمار رفت و شک خود را برای او بیان کرد عمار گفت جایگاه ما در این جنگ مانند جایگاه ما با پیامبر و جایگاه دشمنان ما مانند جایگاه آنها با مشرکان زمان پیامبر اکرم است که با حضرت جنگیدند یقین دارم که ما برحق و معاویه و پیروانش باطل هستند. خلاصه بر اساس شناختی که اصحاب پیامبر از عمار داشتند در صفین او را همراهی می‌کردند و به دنبال او حرکت می‌کردند با دشمن می‌جنگیدند. در یکی از روزهای جنگ که عمار زخمی شده بود آبی طلب کرد برایش دوغ آوردند گفت پیامبر به من فرمود آخرین بهره تو از دنیا جرعه‌ای از دوغ است بدهید بنوشم. وقتی آن را نوشید حمله کرد و این رجز را خواند امروز یارانم پیامبر و حزیش را ملاقات می‌کنم عمار یاسر جنگید تا اینکه کشته شد. آری تنها علی با داشتن آن فضایل و

سوابق و این چنین همراهانی می‌توانست با قریش بجنگد و ناکثین را در جنگ جمل ذلیل کند و کسی دیگر این ویژگی‌ها را نداشت که بتواند در مقابل طلحه زبیر و عایشه قیام کند و آنها را شکست دهد.

۲- **بطلان خوارج:** خوارج از قریش نبودند همچنین سیادت و ریاست قریش را نمی‌پذیرفتند خوارج اهل عبادت ظاهری و زهد از دنیا بودند و به ثروت اندوزی و طغیان قریش معترض بودند و در زیر لوای طلحه و زبیر و عایشه علیه عثمان قیام کردند و سپس به حضرت امیر پیوستند و در جنگ جمل کنار حضرت بودند و کینه زیادی از قریش داشتند. به جهت همین کینه بود که وقتی در جنگ صفین در جریان تعیین حکمیت معاویه عمروعاص را و حضرت علی عبدالله بن عباس را برای حکمیت انتخاب کردند خوارج گفتند دو نفر قریشی نمی‌شود بر ما حکومت کند حضرت امیر با رعایت عدالت در تقسیم بیت المال و والی قرار دادن افراد غیر قریشی و جنگ با قریش در جمل و صفین دلیلی برای اعتراض آنها نگذاشت و در مقابل کج فهمی خوارج نیز قیام نمود و چون آنان با نصیحت و موعظه به راه حق نیامدند حضرت علی به ناچار در نهروان با خوارج جنگید اگر حضرت امیر با خوارج نمی‌جنگید همه مسلمان‌های متدین پیرو مرام خوارج می‌شدند و در این حال اسلام شیعه و سنی باقی نمی‌ماند.

حضرت امیر بعد از جنگ نهروان در خطبه‌ای پس از حمد و ثنای الهی فرمود ای مردم من چشم فتنه را کور کردم و کسی غیر از من جرات این کار را نداشت و اگر من نبودم کسی نمی‌توانست با اصحاب جمل و نهروان بجنگد (۱۱)

## خدمات حضرت علی در زمان حکومت

### ۱- شکست نظام طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی:

اسلام همه بشر را در برابر خدا و قانون اسلام یکسان می‌داند و برتری را فقط به اهل تقوا می‌دهد پیامبر اکرم بین عرب و غیر عرب فرقی نمی‌گذاشت و بیت المال را به طور مساوی بین همه مسلمان‌ها تقسیم می‌نمود اما خلفای سه گانه بر خلاف این سنت پیامبر عمل نمودند مثلاً خلیفه اول سرکردگی لشکر را بیشتر به قریش می‌داد و انصار را کنار می‌زد. خلیفه دوم نیز همین روش را در پیش گرفت تا آنجا که شش نفر اعضای شورا تعیین خلیفه را بعد از خود همگی از قریش قرار داد. خلیفه دوم قریش را بر عرب و عرب را بر عجم ترجیح داد و عصر جامعه را به صورت طبقاتی درآورد. خلیفه سوم نیز همین روش را در پیش گرفت به خصوص فامیل خود از بنی امیه را بر سایر قریش مقدم می‌داشت. در نتیجه در زمان این سه خلیفه حکومت قریشی شده ثروت‌های فراوان در دست قریش قرار گرفت و جامعه اسلامی به صورت طبقاتی درآمد بود. پس از قتل عثمان و بیعت مردم با حضرت امیر آن حضرت به اسلام یعنی سنت پیامبر عمل نمود و بین مهاجر و انصار عرب و عجم قریش و غیر قریش فرقی نگذاشت و پس از آنکه بیعت با امام علی به پایان رسید دستور فرمود تا بیت المال را بین مسلمانان حاضر به طور مساوی تقسیم کنند کسانی که در حکومت‌های قبل امتیازات فراوان داشتند ناراضی شدند طلحه و زبیر دو صحابه مشهور در ابتدای حکومت آن حضرت قصد قیام بر علیه حضرت امیر را نداشتند اما چون دیدند حضرت آنها را از امتیازاتی که خلفای قبل به آنها داده بودند محروم می‌کند از ایشان کناره گرفتند حضرت امیر هر جمعه تمام بیت المال را تقسیم می‌کرد و کف آن را جارو می‌زد آب می‌پاشید سپس در آنجا دو رکعت نماز می‌خواند و به بیت المال خطاب کرده می‌فرمود در روز قیامت شهادت دهید که من مال مسلمانان

را در تو حبس نکردم. در روایتی دیگر آمده است جماعتی از اصحاب حضرت امیر خدمت آن حضرت رفتند و گفتند ای امیر مومنان از این اموال به اشراف عرب و قریش بیشتر از موالی و عجم بده و به آنها که از مخالفت و فرارشان می ترسی. این سخن را به این جهت گفتند که معاویه چنین رفتاری داشت پس حضرت به آنها فرمود آیا مرا وادار می کنید که پیروزی را با ستم به دست آورم قسم به خدا تا خورشیدی طلوع کند یا ستاره‌ای در آسمان ظاهر شود چنین نخواهم کرد قسم به خدا اگر این اموال بیت المال مال خود من بود بینشان به عدالت تقسیم می کردم و حال آنکه مال خودشان است. (۱۲)

به این ترتیب آن حضرت نظام طبقاتی را شکست و امتیازات باطل قریش را از میان برداشت و عدالت اجتماعی را ایجاد نمود اگر امیر مومنان این خدمت را انجام نمی داد مردم خیال می کردند اسلام حکومت قریشی است.

۲- **نشر معارف اسلام :** مهمترین خدمت حضرت امیر که پس از حکومت خود آن را به خوبی ایفا نمود نشر عقاید و اخلاق و احکام اسلام بود پیامبر در مکه به واسطه آزار و اذیت قریش نتوانست اسلام را کاملاً تبلیغ نماید و حکومت اسلامی تشکیل بدهد آن حضرت در مدینه که خارج از نفوذ قریش بود حکومت تشکیل داد و اسلام را به جزیره العرب و اکثر بلاد آن روز رسانید و به این ترتیب وظیفه رسالت آن حضرت با وفاتش پایان یافت پس از وفات پیامبر همان قریش که در مکه دشمنان سرسخت مسلمانان بودند در مدینه وارث پیامبر و شریعت او شدند و همانطور که قبلاً بیان کردیم قریش با به دست گرفتن حکومت و تصاحب غنائم جنگی مال و ثروت فراوانی گرد آورد زمین های مدینه را بین خود تقسیم کردند و انصار را از تمام حقوق محروم کردند و همان طور که در مکه مانع نشر رسالت پیامبر بودند بعد از پیامبر هم از نشر سنت آن حضرت جلوگیری کردند پس از قتل عثمان مسلمان ها با رضایت کامل خود با حضرت علی بیعت نمودند آن حضرت در مدینه که پایتخت خلفا و مرکز حکومت قریش شده بود نمی توانست اصلاحات خود را انجام دهد لذا مرکز حکومت خود را به کوفه منتقل ساخت امام علی علیه السلام در زمان خلافت خود برای نشر اسلام از سه راه اقدام نمود ۱ تبلیغ مردم به وسیله بیانات خویش ۲ تربیت شاگردان شایسته ۳ آزادی بیان به صحابه در نقل حدیث پیامبر.

## تبلیغ مردم

حضرت امیر اسلامی را که از پیامبر تلقی کرده بود در طول زمان حکومت خویش در کوفه به مردم تبلیغ نمود خدمات حضرت علی به قرآن کریم و سنت پیامبر را جداگانه بررسی خواهیم کرد.

**خدمات حضرت علی به قرآن کریم:** اولین باری که قرآن به صورت وحی الهی بر پیامبر اکرم نازل شد حضرت امیر حضور داشت و صدای فرشته و ناله شیطان را شنید حضرت امیر به طور اختصاصی شرح و بیان و تفسیر و شأن نزول آیات قرآن را از پیامبر به طور کامل فرا می گرفت و آنها را می نوشت خود حضرت در این باره میفرماید: قسم به خدا آیه ای نازل نشد مگر آنکه دانستم درباره چه و کجا نازل شده است همانا پروردگارم قلبی فراگیر معانی به من عنایت فرموده است. (۱۳)

استفاده علمی و معنوی حضرت امیر از پیامبر اکرم تا آخرین لحظات زندگی پیامبر ادامه داشت به این ترتیب حضرت امیر هرچه از قرآن بر پیامبر نازل شده بود همراه تفسیر و بیانش از پیامبر آموخته و نوشته بود. حضرت امیر در زمان حکومت خود تفسیر قرآن را که از پیامبر فرا گرفته بود در ضمن خطبه هایش برای مردم بیان کرد و تابعین از اهل کوفه این تفاسیر را از آن حضرت شنیده سپس برای دیگران روایت نمودند اگر خلافت حضرت امیر و هجرت ایشان از مدینه به کوفه و بیانات آن حضرت نبود اکنون هیچ تفسیری وجود نداشت پس حضرت علی تفسیر قرآن را که در زمان خلفای قبل ممنوع شده بود به جامعه بازگرداند حضرت امیر در زمان حکومت خود دو خدمت دیگر به قرآن کریم نمود ۱ حفظ لفظ قرآن از تحریف ۲ تعلیم علم نحو برای فهم معنای قرآن.

قواعد زبان عرب تا عصر خلافت حضرت امیر کشف و تنظیم نشده بود و نوشتن کلام عربی بدون اعراب گذاری انجام می گرفت قرآن و سایر نوشته‌ها نامه‌ها بدون اعراب بود و مردم قانون اعراب گذاری را نمی دانستند. پس از نزول قرآن کریم فرهنگ عرب به فرهنگ اسلام با ابعاد گوناگون آن از صفات ربوبی و شناخت پیامبران الهی و احوال قیامت و اخلاق و احکام تبدیل یافت و لغت عرب آن را فرا گرفت ولی پس از فتوحات مسلمانان و آمیزش آنان با افراد غیر عرب در لغت عرب آشفتگی ایجاد شد پس از بیان این مطلب خدمت حضرت امیر را در امر حفظ قرآن به وسیله تنظیم علم نحو یا قانون اعراب گذاری بیان می نماییم. ابوالسود دثلی که یکی از اصحاب و شاگردان حضرت علی بود می گوید: روزی بر حضرت علی وارد شدم دیدم آن حضرت در حال فکر و اندیشه است به من فرمود در شهر شما یعنی کوفه قرآن را غلط می خوانند می خواهم کاری کنم که لغت عرب از این آشفتگی بیرون بیاید. گفتم یا امیرالمومنین اگر این کار را بکنید لغت عرب را زنده کرده‌اید بعد از چند روز خدمت آن حضرت رسیدم نوشته‌ای به من داد که در آن زیربنای علم نحو را نوشته بود و از تقسیم کلمه به اسم و فعل و حرف و تعریف آنها شروع می شد سپس حضرت به من فرمود به این نحو پیش برو. این قواعد نزد ابوالسود بود و به سبب بخلی که داشت آن را به کسی نشان نمی داد و از آنجا که تسلط به ادبیات عرب داشت والیان پس از حضرت امیر، او را احترام می کردند ابوالسود علم نحو را که از استاد خود حضرت علی آموخته بود بر قرآن پیاده کرد و باعث شد که همه قرآن را بر طبق قواعد زبان عرب و بدون تحریف و به طور صحیح بخواند قواعد علم نحو که وصی پیامبر حضرت امیر تنظیم و تعلیم فرمود منتشر شد و در نتیجه هر کس علم نحو را می آموخت توانایی خواندن بدون اعراب گذاری در قرآن دیگر متون عربی را پیدا می کرد. اگر این خدمت حضرت امیر نبود چگونه می شد از قرآن و حدیث پیامبر معارف اسلامی را استفاده کرد اراده الهی بر این بود که بدین وسیله فهم لغت عرب موجود در عصر پیامبر اکرم برای همه آسان گردد امروزه میلیون‌ها مسلمان قرآن را آنچنان که بر پیامبر نازل شده بود بخوانند بنابراین پروردگار عالم که اسلام و قرآن را به وسیله پیامبر خاتم به مردم رسانید با این خدمت وصی او آنها را تا ابد در بین بشر حفظ فرمود چنانچه حضرت امیر این کار را انجام نمی داد در عصرهای بعد این کار شدنی نبود و سایر اوصیا و ائمه نمی توانستند قرآن و سنت پیامبر را تفسیر کنند و معارف اسلام را بین مردم هم عصر خویش نشر دهند.

### **خدمت حضرت علی به سنت پیامبر**

حضرت امیر از کودکی در دامان پیامبر اکرم تربیت شد و اکثر اوقات همراه آن حضرت بود

حضرت امیر پس از حکومت علاوه بر آنکه سنت پیامبر را در عمل اجرا نمود آن را در ضمن خطبه‌هایش برای مردم بیان کرد مردم این خطبه‌ها را که بیانگر سنت پیامبر یعنی روشنگر عقاید اخلاق و احکام واقعی اسلام بود می‌کردند که بعدها مقداری از آنها توسط دانشمندان جمع آوری و تالیف شد.

چنانچه کتاب ارزشمند نهج البلاغه را بررسی کنیم خواهیم دید معارف اسلام از توحید و صفات خدا، نبوت امامت معاد و آداب اسلامی در این گنجینه یافت می‌شود.

اگر حضرت امیر به حکومت نمی‌رسید و این خطبه‌ها را ایراد نمی‌فرمود عقاید ما مانند بعضی از پیروان مکتب خلفا بود که برای خدا جسم دست و پا و چشم قائل می‌باشند.

### تربیت شاگردان دومین راه برای نشر اسلام

حضرت امیر شاگردانی را برای تعلیم معارف اسلامی پرورش داد. از جمله عبدالله بن عباس، کمیل بن زیاد، مالک اشتر، میثم تمار، ابوالسود دئلی، وغیره. این افراد سنگ زیربنای فرهنگ تشیع شدند.

### آزادی بیان برای نقل حدیث پیامبر سومین راه برای نشر اسلام

در جنگ جمل بیش از ۱۵۰۰ نفر از صحابه همراه حضرت علی از بصره به کوفه آمدند و حضرت علی کوفه را مرکز حکومت خود قرار داد و به آن صحابی دستور داد برخلاف سنت خلفای پیشین که منع حدیث کرده بودند هر حدیثی که از پیامبر می‌دانند را برای مردم بازگو کنند.

به این ترتیب بیش از هزار صحابی روایاتی را که در ذهن داشتند برای مردم بیان کردند. با گذشت زمان اندک از حکومت حضرت علی کوفه به صورت دانشگاه اسلامی و مرکز دوستداران و شیعیان حضرت علی درآمد و خط تشیع از کوفه به ایران و دیگر بلاد اسلامی امتداد یافت.

کوفه جایی بود که مسلمانان از حيله قریش در امان بودند و به همین خاطر حضرت امیر کوفه را مرکز حکومت خویش قرار داد و به همین خاطر بود که حتی امام صادق علیه السلام در اوایل حکومت بنی عباس آزادی بیان داشتند در مسجد کوفه می‌نشستند و برای مردم حیث می‌گفتند و هزاران نفر از احادیث آن حضرت استفاده می‌کردند.

همین اهل کوفه بودند که برای امام حسین نامه نوشتند و با مسلم بن عقیل بیعت نمودند مختار هم قیام خود را از کوفه آغاز کرد و قاتلین امام حسین را قصاص کرد. بنابراین حضرت امیر با هجرتش از مدینه به کوفه به وسیله بیانات و خطبه‌های خود و با تربیت شاگردان و اعزام آنها به مناطق دیگر و آزادی دادن به صحابه در نقل حدیث پیامبر قرآن و سنت پیامبر را به جامعه اسلامی بازگرداند.

هدف از رسیدن به حکومت در نظر انبیا و اوصیا آنان کشورگشایی نیست بلکه حفظ و نشر دین الهی است.

آری هجرت آن حضرت مانند هجرت پیامبر اکرم در حفظ اسلام موثر بود و ایشان همان کار پیامبر را کرد چرا که نفس پیامبر بود.

### ۳- نفی حجیت سیره خلفا و پایه گذاری مکتب تشیع:

وظیفه پیامبران الهی بیان دین خدا و تعلیم عقاید و احکام همراه با روشنگری و شکستن باطل است. اوصیای پیامبران همچنان که مسئول تبلیغ رسالت پیامبران هستند مسئول افشاگری باطل‌ها نیز می‌باشند (۱۴)

### روشنگری امام علی علیه السلام در بطلان سیره خلفا

اکنون ما روشنگری آن حضرت را در دو مورد بیان می‌کنیم:

روشنگری اول: هنگام بیعت گرفتن برای خلیفه سوم در شورای ۶ نفری وقتی که عبدالرحمان بن عوف به آن حضرت گفت دستت را بده که با تو بیعت کنم در عمل کردن به کتاب خدا و سنت پیامبر وسیله شیخین ابوبکر و عمر. حضرت فرمود همانا کتاب خدا و سنت پیامبر به روش و سیره کسی احتیاجی ندارد.

بعد از اینکه دو سه مرتبه از حضرت علی درخواست کردند که بیعت کند حضرت قبول نکرد بالاخره حضرت علی را تهدید کردند که اگر بیعت نکند او را می‌کشند

از طرفی خلیفه دوم ۵۰ نفر را موظف کرده بود که اگر کسی بیعت نکند فوراً او را بکشند. حضرت علی به اجبار بیعت کرد.

در هر صورت حضرت امیر خلافت به شرط عمل به سیره شیخین را نپذیرفت و با مخالفت با بیعت بر عمل کردن به سیره شیخین، عملاً روشن ساخت که سیره شیخین همانند کتاب خدا و سنت پیامبر، منبع احکام نیست.

روشنگری دوم: حضرت علی در زمان حکومت خود نه تنها بر مبنای قرآن و سنت پیامبر عمل نمود بلکه در ضمن بیانات خویش به روشنگری حق پرداخت و از باطل پرده برداشت. حضرت امیر در خطبه شششقیه و در خطبه ای دیگر در نهج‌البلاغه به وضوح بیان میکند که خود آن حضرت در تمام موارد اولی تر از خلفا برای جانشینی پیامبر بودند و خلفا هیچ برتری نسبت به آن حضرت نداشتند.

حضرت امیر با بیاناتی که در این خطبه داشتند روشنگری و بت شکنی نمودند و مکتب تشیع و اسلام راستین را ترسیم کردند و نشان دادند که تشیع اخذ معارف و معالم دین الهی از قرآن کریم و سنت پیامبر از طریق اوصیای آن حضرت یعنی دوازده امام می‌باشد و سیره خلفا حجیت ندارد و مدرک احکام اسلامی نیست.

حضرت امیر روشن کرد که ولایت مداری نسبت به اهل بیت به خاطر دستیابی به اسلام واقعی و نیز تبری از مخالفان به جهت مخالفت عمدی آن‌ها با احکام اسلام و تغییر سنت پیامبر می‌باشد.

اگر حضرت امیر با این خطبه‌ها روشنگری نمی‌کرد پرده از روی باطل کنار نمی‌زد حتی اگر خود بر خلاف خلفای قبلی به عدالت حق رفتار می‌نمود رفتارش اجتهاد خلیفه چهارم به حساب می‌آمد مخالف اجتهاد خلفای قبلی بوده است

اکنون با روشنگری آن حضرت پیروان مکتب اهل بیت می‌فهمند که تنها مدرک اسلام قرآن و سنت پیامبر است و پیامبر هم که شارح و مبین قرآن است از خود هیچ نمی‌گوید و آنچه می‌گوید وحی الهی است و پس از پیامبر اکرم ۱۲ امام اوصیای آن حضرت هستند که خداوند آنها را برگزیده و پیامبر خاتم آنها را به مردم معرفی نموده تا دین الهی را در جامعه حفظ و سنت پیامبر را در میان مردم نشر دهند و اسلام را از تحریف و نابودی نگاه دارند.

## نتیجه گیری

بنابراین متوجه می‌شویم که اگر اقدامات و خیرخواهی امیر مومنان حضرت علی علیه السلام نبود دین اسلام امروز به ما نمی‌رسید و در زمان خلفا و بعد از آن توسط معاویه و پیروانش به نابودی کشیده می‌شد و شیعه و همه مسلمانان جهان تا قیامت مدیون علم، بصیرت و عدالت حضرت امیر علیه السلام خواهند بود چون حضرت توانست تمام طبقات اجتماعی را از بین ببرد و تمام تلاش خود را انجام داد تا قرآن و سنت صحیح پیامبر به همه مسلمین جهان برسد.

منابع: کتاب نقش ائمه در احیای دین مرحوم علامه عسکری

## فهرست منابع

- 1 - صحیح بخاری ج ۲، ص ۲۰۷
- 2 - صحیح مسلم ص ۱۴۰۹
- 3 - مسند احمد ج ۱، ص ۶۴
- 4 - صحیح بخاری ج ۴، ص ۱۵۵
- 5 - مسند احمد ج ۴، ص ۲۶۰
- 6 - تاریخ الیعقوبی ج ۶، ص ۸۳ الی ۸۵
- 7 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲، ص ۱۰۲
- 8 - تاریخ ابن کثیر ج ۷، ص ۲۸۹
- 9 - اسدالغابه
- 10 - تاریخ الطبری ج ۶، ص ۳۷
- 11 - نهج البلاغه خطبه ۹۳
- 12 - الغارات ثقفی ص ۴۸
- 13 - معالم المدرستین ج ۲، ص ۳۰۴
- 14 - انساب الاشراف ج ۵، ص ۱۶ الی ۱۸